

تصحیح مفاهیم  
در مورد  
ولاء و براء  
در اسلام

عبد الفتاح بن صالح قديش  
اليافعي

## بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الحمى لله رب العالمين والصلاة والسلام على سيدنا محمد وآله و صحبه و من تبعهم بإحسان الى يوم الدين وبعد:  
واژه ولاء و براء، یکی از واژه هایی است که در عصر اخیر رایج گشته و در میان سلف و دانشمندان قرون گذشته معروف نبوده است. و در نتیجه چقدر این اصطلاح سبب مشکلات برای امت شده و چقدر از خونها در تحت شعار ولاء و براء ریخته شده و چقدر از آبرو و ناموس مردم که هتک حرمت شده است و چقدر از اموال مردم در زیر این نام غارت و چپاول شده است. و چقدر از مفاهیم دینی در تحت این نام وارونه جلوه ده و چقدر از معانی در زیر این شعار مشوه و نازیبا جلوه شده است.

### برائت از مسلمان اساس و ریشه ندارد

وظیفه مسلمان در برابر مسلمانی دیگر دوستی، محبت، یاری رساندن و برادری است و در برابر مسلمان، ناگوار دانستن، براءت و دشمنی معنی و مصداقی ندارد. چنان که خداوند می فرماید: «زنان و مردان مؤمن دوستان و یاوران همدیگرند.» و نیز می فرماید: «همانا فقط مؤمنان برادر یکدیگرند.» و نیز رسول خدا ﷺ فرموده است: «مؤمن در برابر مؤمن دیگر مانند ساختمان است.» متفق علیه.

و نیز رسول خدا ﷺ فرموده است: «مثال مؤمنان در دوستی و محبت و شفقتشان نسبت به همدیگر مانند یک جسد است.» متفق علیه.

اگر پرسیده شود که اگر فرد مسلمان گناهکار و اهل بدعت باشد؟ در جواب گفته می شود: ما از عملش که مخالف شریعت است، اعلام بیزارى و براءت نموده و آن را ناگوار می دانیم، نه از ذات خودش که حامل کلمه (لا إله إلا الله) است. چرا که در این مورد آیات و روایات فراوانی وجود دارد. چنان که خداوند می فرماید: «بال رحمتت را برای پیروان مؤمنت پایین بیاور، پس اگر از تو فرمان نبرند، بگو: من از آنچه انجام می دهم، بیزار هستم.» (شعراء: ۲۱۶- ۲۱۵). الله تعالی نفرمود: بگو: من از

شما بیزار هستیم. در روایت بخاری آمده است که وقتی خالد مرتکب خطا شد، آن حضرت ﷺ فرمود: «خدایا من از آنچه خالد انجام داده است بهع سوی تو اعلام براثت می کنم.» ملاحظه می فرمایید که آن حضرت ﷺ فرمود: من از خالد به سوی تو اعلام براثت می کنم. در مصنف عبدالرزاق (ج ۱۱ ص ۱۸) آمده است: «بوقلابه روایت کرده است که ابودرداء از کنار مردی گشت که به گناهی آلوده بود و مردم به او ناسزا می گفتند، ابودرداء گفت: به من خبر دهید که اگر در چاهی افتاده بود، شما او را بیرون نمی آوردید؟» آنان پاسخ دادند: آری. ابودرداء گفت: پس برادرتان را ناسزا نگوئید و سپاس الله را بجا آورید که شما را از این معصیت نجات داده است. آنان پرسیدند: آیا او را مبعوض نداری؟ گفت: من عملش را مبعوض می دارم و چگون از آن عمل دست کشد، برادر من است.»

### شیوه تعامل با مسلمان گناهکار

بخاری از طریق عمر بن خطاب رضی الله عنه روایت کرده است که (ج ۶ ص ۲۴۸۹) روایت کرده است که در زمان رسول خدا ﷺ فردی به نام عبدالله ملقب به حمار که گاهی رسول خدا ﷺ را به خنده در می آورد و رسول خدا ﷺ در اثر نوشیدن شراب او را حد زده بود، روزی به محضر رسول خدا ﷺ آورده شد و آن حضرت ﷺ دستور داد تا او را شلاق بزنند. آنگاه شخصی از میان آنان گفت: خدایا! نفرینش کن، چقدر او را برای شلاق زدن می آورند؟! آن گاه رسول خدا ﷺ فرمود: «او را نفرین نکنید؛ زیرا به خدا سوگند که من یقین دارم که او با الله و رسولش محبت دارد.»

در روایت دیگری از بخاری آمده است: «این چنین نگوئید و شیطان را بر علیه او کمک نکنید.»

ملاحظه کنید که چگونه آن حضرت ﷺ از برخورد آنان در تعامل با افراد نافرمان خشمگین شده و به یارانش فرمود: «او را نفرین نکنید؛ زیرا به خدا سوگند که من یقین دارم که او با الله و رسولش محبت دارد.» «این چنین نگوئید و شیطان را بر علیه او کمک نکنید.» بلکه بگوئید: (خداوند بر تو رحم کند.)

براستی که تعامل نبوی در برخورد با افراد نافرمان، تحریک انگیزه های خیری بود که در آنان وجود داشت. چنانکه این صحاب در حالت سکر

قرار دارد، آن حضرت ﷺ در حالی که وی می شنود، یادآوری می کند که او الله و رسولش را دوست دارد. تا نخست شیوه برخورد با فرد مجرم و گناهکار را آنان بیاموزد و دوم این که این شیوه تعامل در ترک گناه آن فرد کارآمدتر است، زیرا تندی و خشونت معمولاً به عناد و سرکشی منجر می شود. و اگر بالفرض فرد مجرم و گناهکار در صورت تندی فرمان ببرد، این فرمانبرداری ظاهری است و قلبی و درونی نیست. رسول خدا ﷺ فرموده است: «نرمی در هر چیزی باشد، آن را مزین و آراسته می گرداند و از هر چیزی کشیده شود، آن را زشت می گرداند.» (مسلم) و نیز در روایت دیگری فرموده است: «برای مسلمان روا نیست تا با برادرش بلیش از سه روز قهر کند.» متفق علیه.

### دوستی و دشمنی بر اساس مسلمات جزئی هستند

در این دو آیه دقت بفرمایید: «همانا فقط مؤمنان برادر یکدیگرند، پس در میان برادرانتان صلح و آشتی برقرار کنید.»، «زنان و مردان مؤمن دوستان و یاوران همدیگرند.» و نیز در این حدیث تأمل بفرمایید: «مسلمان برادر مسلمان است، بر او ستم روا نمی دارد، او را رها نمی کند و او را تحقیر نمی کند.» صحیح مسلم. «هر مسلمانی بر مسلمان دیگر خون، مال و آبرویش حرام است.» و در این مورد آیات و روایات فراوانی وارد شده است.

آیا در این آیات و روایات چیزی که مایه تفریق و جدایی بین مسلمانان صرفاً جهت انتساب به یک مذهب، حزب و منطقه باشد، وجود دارد؟ هرگز، به خدا! بلکه مدار دوستی و محبت و یاری رساندن، اسلام است، هر کس کلمه مسلمان برای او محقق شد، باید با او دوستی و محبت کرد و به نصرت و یاری اش شتافت، اعم از این که هر مذهب و حزبی داشته باشد و یا از هر منطقه و کشوری باشد. رسول خدا ﷺ فرمود: «هر کس گواهی دهد که معبودی جز الله وجود ندارد و به سوی قبله ما رو نموده و نماز ما را بخواند و از ذبیحه ما بخورد، او مسلمان است و در نفع و ضرر مسلمان شریک است.» بخاری.

اما واقعیتی بسیار تاسف آور آن است که امروز - زمانی نه چندان دور -

معیار دوستی و دشمنی بر اساس انتساب به مذهب، جزب و یا سرزمین شده است.

## آیا براءت از کفر متقاضی سوء برخورد و تعامل است؟

برخی از مردم گمان می برند که بیزاری از کفر و کفار، متقاضی آن است تا ما با آنان با اخلاق تند و خشن با آنان برخورد نماییم و هرچیز با آنان روی خوش نشان ندهیم، حال آن که این برداشت غلطی از قرآن کریم است. بهترین کسی که ما در این مورد او را الگوی خود قرار دهیم کسی است که آیات قرآن کریم بر وی نازل شده است.

اینک پاره ای از آیات و روایات را که در تعامل با غیر مسلمانانی که باعث آزار و اذیت مؤمنان بوده و محارب بوده اند، - صرف نظر از آنانی که زندگی مسالمت آمیز داشته اند - مورد ارزیابی قرار می دهیم.

خداوند در قرآن کریم به هارون و موسی می فرماید: «به نزد فرعون بروید، همانا او سرکش و نافرمان است، پس با او با نرمی سخن بگویید تا او پسند پذیرد یا این که بترسد.» (طه: ۴۴-۴۳). و نیز خداوند می فرماید: «ای پیامبری ما تو را مای رحمتی برای جهانیان فرستاده ایم.» (انبیاء: ۱۰۷). و نیز می فرماید: «با آنان با نیکوترین شیوه بحث و گفتگو کن.» (نحل: ۱۲۵) همچنین می فرماید: «با مردم با نیکویی سخن بگویید.» (ابن عساکر، واقدی و اموی در مغازی)

در سیره نبوی می خوانیم که وقتی اهل طائف آن حضرت ﷺ را سنگ باران کردند، فرشته کوهها به محضر پیامبر ﷺ آمده تا کوهها را بر آنان هموار سازد، اما آن حضرت ﷺ نپذیرفت و فرمود: «من امیدوارم که خداوند از نسل آنان کسانی را بیافریند که الله را بپرستند و کسی را با او شریک نگردانند.» (مسلم)

در فتح مکه یکی از صحابه گفت: «امروز، روز جنگ و خونریزی است.» اما آن حضرت ﷺ فرمود: «خیر، بلکه امروز روز مهرورزی و بخشش است.»

وقتی رسول خدا ﷺ پس از فتح مکه وارد شهر مکه شد، فرمود: «شما گمان می کنید که من با شما چه برخوردی می کنم؟» آنان گفتند: تو برادری بزرگوار و فرزند برادری بزرگوار هستی، آن حضرت ﷺ فرمود: «بروید شما آزاد هستید.»

کفار قریش در غزوه احد پنیانش را شکستند و سرش را خونین کردند و هفتاد نفر از یارانش از جمله عمویش حمزه ﷺ را شهید کردند، اما آن حضرت ﷺ دستهایش را بلند کرده و این گونه دعا کرد: «ای خدایا! قومم را ببخش، زیرا اینها نمی دانند.» (صحیح ابن حبان).  
وقتی آن حضرت ﷺ به مدینه منوره آمد، با یهود معاهده زندگی مسالمت آمیز و دفاع مشترک را با یهود اجرا نمود چنان که ابوعبید در کتاب الاموال و ابن اسحاق در مغازی آن را ذکر کرده و نمونه آن در سیره نبوی به وفور یافته می شود.

### برخی از مواضع سلف در تعامل با غیر مسلمانان

باری حشرت عمر رضی الله عنه از کنار دروازه قومی عبور کرد و بر دروازه یهودی که تکدی و دست درازی می کرد، ایستاده بود و این گونه فریاد می زد: من پیرمردی کهن سال و نایبنا هستم. عمر پرسید: چه چیزی تو را وادار کرده است تا گدایی کنی؟ او گفت: نیاز و جزیه. عمر دستش را گرفت و او را به خانه اش برد و چیزی به او داد و آنگاه فردی را به نگهبان بیت المال فرستاد و دستور داد: به این و امثال این بنگر، سوگند به الله که ما جانب انصاف را رعایت نکرده ایم، زیرا جوانی اش را خورده ایم پس چطور وقت پیری رهایش کنیم، و آن گاه این آیه را تلاوت فرمود:  
(إِنَّمَا الصَّدَقَاتُ لِلْفُقَرَاءِ وَالْمَسْكِينِ وَالْعَامِلِينَ عَلَيْهَا وَالْمُؤَلَّفَةِ قُلُوبُهُمْ وَفِي الرِّقَابِ وَالْغَارِمِينَ وَفِي سَبِيلِ اللَّهِ وَآلِ السَّبِيلِ فَرِيضَةً مِّنَ اللَّهِ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ)؛ (توبه: ۶۰) «صدقات برای فقیران است و مسکینان و کارگزاران جمع آوری آن و نیز برای ، به دست آوردن دل مخالفان و آزاد کردن بندگان و قرضداران و انفاق در راه خدا و مسافران نیازمند و آن فریضه ای است از جانب خدا و خدا دانا و حکیم است.» و افزود: فقرا مسلمانان هستند و این از مساکین اهل کتاب است و آن گاه دستور داد تا از وی و امثال وی جزیه نگیرند.

خالد بن ولید در معاهده‌با اهل ذمّه حیره چنین نوشت: «هر پیرمردی که توان کار کردن ندارد، یا آفت و بیماری به او رسیده است و یا اگر ثروتمندی که فقیر و نادار شده است و اهل دینش به او صدقه می‌کنند، جزیه از وی ساقط می‌شود و خرج و نفقه او و خانواده اش از بیت المال مقرر می‌گردد تا زمانی که در دار الهجره و یا در دار الاسلام اقامت دارد.» (الخراج ابویوسف)

عمر بن عبدالعزیز به سوی عدی بن اربطاء نامه ای به این مضمون نوشت: به ذمیان قبیله ات بنگر، هر کس که به سن پیری رسیده است و نیرویش ضعیف شده است و از کسب و کار افتاده است، به میزان مصلحتش از بیت المال مسلمانان سهمی برایش مقرر کن.

### آیا دوستی با کافر با برائت از کفر منافات دارد؟

دوستی و محبت مسلمان با غیر مسلمان یا به خاطر دینش است و یا برای هدفی دیگر، اگر به خاطر دینش بود، که این کفر به شمار می‌رود و اما اگر برای انگیزه دیگری بود، اگر آن هدف از نظر شرع امری حرام و ناجایز بود، باز هم این نوع دوستی و محبت حرام است چنان که اگر فردی با مافری محبت و دوستی داشت چون با او عمل حرام را انجام می‌داد، اما این حکم در حق مسلمان و کافر یکسان است، چنان که اگر فردی با شخص مسلمانی دوستی و محبت می‌کرد صرفاً به خاطر این که او عمل نامشروع و حرامی را انجام می‌دهد این دوستی حرام است. اما اگر برای هدفی که حرام نبود با او دوستی می‌کرد مانند این که خویشاوند، دوست او بود یا این که در حق وی نیکی و احسانی کرده بود، در این صورت محبت با وی جایز است. ابن‌الوزیر در کتابش ایثار الحق علی الخلق (ص ۴۰۰) می‌نویسد:

موالاتی که بالاجماع حرام هست، آن است که تو کافری را به خاطر کفر و گناهکاری را به خاطر گناهش دوست داشته باشی نه به خاطر هدف دیگری از قبیل جلب منفعت یا دفع ضرر و یا خوی و خصلت خوبی که در او وجود دارد. والله اعلم.

و نیز در صفحه (۳۷۳/۱) می نویسد: از اینجا افراد متشدد در باب ولاء و براء اجازه داده اند تا با فرد گناهکار به خاطر خوی و خصلت نیکویی که در او وجود دارد دوستی و محبت شود اگر چه کافر نیز باشد مانند ابوطالب در یکی از دو قول و محبت پیامبر و آل او قبل از اسلام آوردنش.

### دلیل جواز محبت با آنان برای امری غیر دینی

۱. این یک امر فطری است و راه رهایی از آن وجود ندارد، چنان که دوستی با پدر، فرزند، دوست، و کسی که در حق وی کار نیکویی انجام داده است، امری فطری و طبیعی است.

۲. خداوند می فرماید: ﴿إِنَّكَ لَا تَهْدِي مَنْ أَحْبَبْتَ وَلَكِنَّ اللَّهَ يَهْدِي مَنْ يَشَاءُ﴾، یعنی: «همانا تو نمی توانی هر کس را که دوست داری هدایت کنی، بلکه خداوند هر کس را که بخواهد هدایت می نماید.» (قصص: ۵۶). خداوند در این آیه از محبت پیامبرش ﷺ با عمویش ابوطالب و آرزویش به هدایت او خبر می دهد با وجود این که او ایمان نیاورد، و منظور از: (مَنْ أَحْبَبْتَ) یعنی او را دوست داشته باشی.

۳. خداوند می فرماید: ﴿وَمَنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً﴾؛ یعنی: «از نشانه های او اینکه برای شما از (جنس) خودتان همسرانی را آفرید تا با ایشان انس و الفت گیرید، و میانتان محبت و مرحمت پدید آورد.» (روم / ۲۱) و مسلم است که ازدواج با زنان اهل ذمه جایز است، بلکه دیدگاه جمهور بر این است که ازدواج با اهل کتاب اگر چه از دارالحراب باشد، جایز است و این از عموم این آیه فهمیده می شود: ﴿وَالْمُحْصَنَاتُ مِنَ الْمُؤْمِنَاتِ وَالْمُحْصَنَاتُ مِنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ مِنْ قَبْلِكُمْ﴾؛ «و با زنان پارسای مؤمنه و زنان پارسای اهل کتاب ازدواج کنید.» (مائده: ۵). بنابراین، اشکالی ندارد که مسلمان دوستی و محبت همسر کتابی غیر مسلمان را در قلبش جای دهد، بلکه این امری فطری و طبیعی است که امکان دفع آن وجود ندارد.

## زیارت و عیادت از غیر مسلمان و پاسخ دادن به دعوت و تعزیت وی

انس بن مالک رضی الله عنه روایت کرده است که یک جوان یهودی برای آن حضرت صلی الله علیه و آله خدمت می کرد و بیمار شد، رسول خدا صلی الله علیه و آله برای عیادتش آمد و بر بالینش نشست و فرمود: «اسلام بیاور، آن جوان به پدرش که در آنجا حضور داشت، نگاه کرد. پدرش گفت: از ابوالقاسم اطاعت کن. از این رو آن جوان اسلام آورد. و رسول خدا صلی الله علیه و آله در حالی از آنجا بیرون آمد که این جمله را بر زبان آورد: «ستایش زببندهٔ خدایی است که او را از آتش نجات داد.» (بخاری)

همچنین انس رضی الله عنه می گوید: یک یهودی رسول خدا صلی الله علیه و آله را برای صرف نان جو و روغن دعوت کرد و آن حضرت صلی الله علیه و آله دعوتش را پذیرفت.» (مسند احمد)

مذاهب اربعه بر جواز تعزیت غیر مسلمان اتفاق نظر دارند.

## احسان و خوشرفتاری با غیر مسلمان و ارتباط و تبادل هدیه با آنان

خداوند در قرآن می فرماید: ﴿لَا يَنْهَاكُمْ اللَّهُ عَنِ الَّذِينَ لَمْ يُقَاتِلُوكُمْ فِي الدِّينِ وَلَمْ يُخْرِجُوكُمْ مِّنْ دِيَارِكُمْ أَنْ تَبَرُّوهُمْ وَتُقْسِطُوا إِلَيْهِمْ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ إِنَّمَا يَنْهَاكُمْ اللَّهُ عَنِ الَّذِينَ قَاتَلُوكُمْ فِي الدِّينِ وَأَخْرَجُوكُمْ مِّنْ دِيَارِكُمْ وَظَاهَرُوا عَلَىٰ إِخْرَاجِكُمْ أَنْ تَوَلَّوْهُمْ وَمَنْ يَتَوَلَّهُمْ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ﴾؛ یعنی: «خدا شما را از نیکی کردن و عدالت ورزیدن با آنان که با شما در دین، ن جنگیده اند و از سرزمینتان بیرون نرانده اند، باز نمی دارد خدا کسانی را که به عدالت رفتار می کنند دوست دارد. جز این نیست که خدا از دوستی ورزیدن با کسانی که با شما در دین جنگیده اند و از سرزمین خود بیرون رانده اند یا در بیرون راندنتان همدستی کرده اند شما را باز دارد و هر که با آنها دوستی ورزد از ستمکاران خواهد بود.» (ممتحنه: ۸-۹)

در مورد شا «عبدالله بن زبیر در مورد نزول این آیه می گوید: در مورد اسماء بنت ابی بکر نازل شده است چنان که مادرش به نام قتیلہ دختر عبدالعزی که اسلام نیاورده بود، برایش هدیه و کشک و روغن آورد، اسما گفت: من هدیه ات را قبول نمی کنم و تا زمانی که از رسول خدا صلی الله علیه و آله اجازه نگرفته ام وارد خانه من نشو. آن گاه عایشه رضی الله عنها این ماجرا

را برای رسول خدا ﷺ تعریف کرد. در این هنگام این آیه نازل گردید: (لَا يَنْهَاكُمُ اللَّهُ عَنِ الَّذِينَ...) (تفسیر طبری) در صحیح بخاری آمده است که اسماء گفت: مادرم در حالی که مشرک بود، به نزد من آمد من در مورد حضور وی از رسول خدا ﷺ استفتا کردم و گفتم: مادرم در حالی که علاقمند به است، به نزد من آمده است، آیا با او صلۀ رحمی کنم؟ رسول خدا ﷺ فرمود: «آری، با مادرت صلۀ رحمی کن.»

در تاریخ نمونه های فراوانی در مورد صلۀ رحم و تعامل با غیر مسلمانان و کسانی که با مسلمانان از در جنگ و خونریزی بر نیامده اند، وجود دارد و مفهوم این آیه آنان را شامل می گردد، و ما به بخشی از این نمونه ها در ذیل اشاره می کنیم. یکی از این موارد تبادل هدیه و صدقه است. ابن عباس از رسول خدا ﷺ روایت کرده است که آن حضرت ﷺ پس از نزول این آیه: ﴿وَمَا تَنْفِقُوا مِنْ خَيْرٍ فَلَأَنْفُسِكُمْ وَمَا تَنْفِقُونَ إِلَّا ابْتِغَاءَ وَجْهِ اللَّهِ وَمَا تُنْفِقُوا مِنْ خَيْرٍ يُوَفِّ إِلَيْكُمْ وَأَنْتُمْ لَا تُظْلَمُونَ﴾؛ یعنی: «و هر چیز نیک و بایسته ای که می بخشید برای خودتان است و جز برای رضایت خدا نبخشید. و هر چیز نیک و بایسته ای که ببخشید به طور کامل به خود شما باز پس داده می شود و ستمی به شما نخواهد شد. آن حضرت ﷺ دستور داد به هر کسی صدقه بدهید و لو این که دارای هر دینی باشد. (تفسیر ابن ابی حاتم) سعید بن مسیب می گوید: رسول خدا ﷺ بر اهل یک خانواده یهودی صدقه کرد. (الاموال ابو عبید)

بخاری و مسلم روایت کرده اند که عمر بن خطاب لباسی را به یکی از برادرنش که در حالت شرک و کفر قرار داشت هدیه کرد. علامه نووی در شرح مسلم (۳۹/۱۴) می گوید: (عمر آن را به برادرش از جهت مادر که مشرک بود، پوشانید). همه این موارد بیانگر این امر هستند که صلۀ رحم با خویشاوندان مشرک و خوشرفتاری و هدیه دادن به کفار جایز است.

در مقابل بسیاری از غیر مسلمانان از پادشاهان کفار و غیر آنها به آن حضرت ﷺ هدیه داده و رسول خدا ﷺ آن را پذیرفته اند. یکی از آن موارد هدیه پادشاه مصر قبطی سات. چنان که عایشه رضی الله عنها روایت کرده است که مقوقس، فرمانروای اسکندریه، یک سرمه دان چوبی شامی و یک زن و شانه ای را به آن حضرت ﷺ هدیه کرد. (طبرانی فی الاوسط)

## حسن جوار و رعایت حق همسایه

یکی از این نواع موارد حسن وجوار و رعایت حقوق همسایگان غیر مسلمان است. خداوند می فرماید: ﴿وَاعْبُدُوا اللَّهَ وَلَا تُشْرِكُوا بِهِ شَيْئًا وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا وَبِذِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينِ وَالْجَارِ ذِي الْقُرْبَىٰ وَالْجَارِ الْجُنُبِ وَالصَّاحِبِ بِالْجَنبِ وَابْنِ السَّبِيلِ وَمَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ مَن كَانَ مُخْتَالًا فَخُورًا﴾؛ (نساء: ۳۶) یعنی: «خدای را بپرستید و هیچ چیز شریک او مسازید و با پدر و مادر و، خویشاوندان و یتیمان و بینوایان و همسایه خویشاوند و همسایه بیگانه و یار صاحب و مسافر رهگذر و بندگان خود نیکی کنید هر آینه خدا متکبران و فخر فروشان را دوست ندارد.» مراد از (وَالْجَارِ الْجُنُبِ) در یکی از دو تفسیر: همسایه غیر مسلمان است. از نوف شامی روایت شده است که گفت: مراد از (وَالْجَارِ ذِي الْقُرْبَى) مسلمان و مراد از (وَالْجَارِ الْجُنُبِ) غیر مسلمان می باشد. (تفسیر طبری)

عمرو بن شعیب از پدرش و او از جدش عمرو بن عاص روایت کرده است که رسول خدا ﷺ فرمود: «همسایگان بر سه نوع اند؛ یکی از آنان بر عهده شما و یکی دو حق و یکی یک حق سه حق دارد، همسایه مسلمان خویشاوند، حق اسلام، حق همسایگی و حق خویشاوند را بر عهده شما دارد و آن که دو حق بر گردن شما دارد، همسایه مسلمان است که حق اسلام و حق همسایگی را بر شما دارد و آن کس که یک حق دارد، همسایه کافری است که یک حق را بر عهده شما دارد.» (طبرانی فی المسند الشامیین، و بیهقی فی شعب الایمان و التعاون مع غیر المسلمین)

خداوند می فرماید: ﴿وَتَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَىٰ وَلَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ شَدِيدٌ﴾؛ (مائده: ۲) یعنی: «و یکدیگر را یاری کنید بر نیکی و پرهیزگاری و یاری نکنید بر گناه و تجاوز، و از خدا بترسید زیرا عقاب خدا سخت است.» سیاق آیه بر این امر دلالت دارد که تعاون و همکاری در امور خیر و عدم تعاون بر شر و بدی با کفار نیز درست است، بلکه اول سیاق آیه با آنان دلالت دارد. چنان که مفسیرین گفته اند.

رسول خدا ﷺ در مورد حلف الفضول که قریش در زمان جاهلی آن را در مورد یاری رساندن مظلوم منعقد کرده بودند، فرمود: «من برای پیمانی در

دار ابن جدعان حضور یافتم و دوست ندارم که در برابر آن برایم شتران سرخ رنگ باشد و اگر در اسلام برای چنین کاری فرا خوانده شوم، آن را اجابت خواهم کرد.» (مسند حمیدی و طحاوی).

و نیز آن حضرت ﷺ در مورد صلح حدیبیه فرمود: «اگر قریش مرا به سوی امری که در آن حرمت الله را تعظیم می کنند، فرا خوانند، به آن پاسخ خواهم داد.» (بخاری)

### تعریف و تمجید غیر مسلمان در برابر خیری که در آنان وجود دارد

برخی از افراد گمان می برند که تعریف غیر مسلمان به خاطر خیری که در آنان وجود دارد با عقیده و لاء و براء منافات دارد و تردیدی نیست که این برداشت نادرست و غلط است، زیرا خداوند می فرماید: ﴿وَلَا يَجْرِمَنَّكُمْ شَنَاٰنَ قَوْمٍ عَلَىٰ أَلَّا تَعْدِلُوا اعْدِلُوا هُوَ أَقْرَبُ لِلتَّقْوَىٰ﴾ (مائده: ۸) یعنی: «و حمل نکند شما را دشمنی گروهی بدانکه عدل نکنید، عدل کنید که آن نزدیک تر است به پرهیزگاری) سیاق این آیه در مورد غیر مسلمانان می باشد، بلکه خداوند غیر مسلمانانی را که در آنها خیر و خصلت نیکویی وجود دارد، و همچنین رسول خدا ﷺ و و صحابه مورد تعریف و تمجید قرار داده اند. خداوند در قرآن فرموده است: ﴿وَلَتَجِدَنَّ أَقْرَبَهُمْ مَوَدَّةً لِلَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ قَالُوا إِنَّا نَصَارَىٰ ذَٰلِكَ بِأَنَّ مِنْهُمْ قَسِيصِينَ وَرُهْبَانًا وَأَنَّهُمْ لَا يَسْتَكْبِرُونَ﴾؛ (مائده: ۸۲) یعنی: «و البته می یابی نزدیکترین ایشان به دوستی با مؤمنین آنان را که گفتند ما نصاریم، این برای این است که بعضی از ایشان کشیشان و راهبانند و محقق است که ایشان تکبر نمیورزند.» و نیز خداوند می فرماید: ﴿لِيُسْوَٰ سَوَاءٌ مِّنْ أَهْلِ الْكِتَابِ أُمَّةٌ قَائِمَةٌ يَتْلُونَ آيَاتِ اللَّهِ آنَاءَ اللَّيْلِ وَهُمْ يَسْجُدُونَ﴾ (آل عمران: ۱۱۳)، یعنی: «اهل کتاب همه یکسان نیستند گروهی به طاعت خدا ایستاده اند و آیات خدا، را در دل شب تلاوت می کنند و سجده به جای می آورند.» و نیز فرموده است: ﴿وَمِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ مَنْ إِنْ تَأْمَنَهُ بِقِنطَارٍ يُؤَدِّهِ إِلَيْكَ﴾ (آل عمران: ۷۵)، یعنی: «از میان اهل کتاب کسی است که اگر او را امین شمری و قنطاری به او، بسپاری آن را به تو باز می گرداند.»

وقتی رسول خدا ﷺ در مکه یارانش را مشاهده فرمود که از طرف کفار با

آزار و شکنجه مواجه شده اند و نمی توانست آنان را یاری کند، فرمود: اگر به سرزمین حبشه مهاجرت نمایید، در آنجا پادشهای وجود دارد که کسی در زمین او مورد ستم واقع نمی شود. و وقتی به سوی فرمانروایان و حکام نامه می نوشت، آنان را با لقب متعارف در نزد آنان خطاب می کرد. چنان که در نامه اش به فرمانروای فارس و روم این گونه نوشت: (بسم الله الرحمن الرحیم، به سوی هرقل، فرمانروا و بزرگ روم، به سوی کسری، فرمانروای ایران. (متفق علیه)

امام احمد در مسند خودش در مورد آثار صحابه آورده است: ام سلمه رضی الله عنها می گوید: وقتی ما به سرزمین حبشه هجرت کردیم و در همسایگی بهترین همسایه قرار گرفتیم، نجاشی ما را در مورد دینمان امنیت بخشید و بدون آن که مورد اذیت قرار گیریم الله را عبادت می کردیم و چیزی که ما را ناراحت کند از وی نشنیدیم و وقتی این سخن به گوش قریش رسید.)

همچنین در صحیح مسلم آمده است: مستورد قریشی در نزد عمرو بن عاص گفت: من از رسول خدا ﷺ شنیدم که فرمود: «قیامت در حالی برپا خواهد شد که جمعیت روم افزایش می یابد. آن گاه عمرو بن عاص گفت: مواظب باش چه می گویی، مستورد گفت: من چیزی را می گویم که از رسول خدا ﷺ شنیده ام و افزود: اگر بگویم که در آنها چهار خصلت وجود دارد، آنان در وقت فتنه بردبارترین افراد هستند و در وقت مصیبت زودتر از همه افاقه حاصل می کنند و نزدیکترین افراد به هجوم پس افراز و بهترین آنان به افراد مسکین و فقیر و یتیم و ضعیف هستند. و پنجمین آن زیبا و نیکوست و آن این که مانعترین مردم در برابر ظلم و ستم هستند.

### مرثیهٔ حسان بن ثابت در فراق مطعم بن عدی

مطعم بن عدی در حالت کفر از دنیا رفت، اما با این وجود حسان بن ثابت رضی الله عنها گفت: به خدا سوگند در سوگ او شعر و مرثیه خواهم گفت و این بدان جهت بود که وقتی رسول خدا ﷺ از سفر طائف بازگشت، او را پناه داد. از این رو در مورد وی چنین گفت: (سیرهٔ ابن هشام، فتح الباری، سیر اعلام النبلاء، البدایء والنهایة)

ای چشم من! آیا در فراق سرور مردمان گریه نمی کنی و اشک نمی ریزی و اگر گریه کردی، خون گریه کن.

و

اگر امروز یک افتخار از مردم ماندگار خواهد شد، ماندگارترین افتخار امروز از آن مطعم است.

رسول خدا ﷺ را از دست کفار پناه دادی و آنان بردگان تو قرار گرفتند تا زمانی که لیبیک کننده ای لیبیک گفته و احرام ببندد.

اگر در مورد او همه قبیله معد و قحطان و بقایای جرهم را بپرسی. البته خواهند گفت که او از عهد و پیمان پناهنده اش کاملاً وفا کرد آن گاه که در پناه او قرار گرفت.

خورشید فروزان کسی مانند او که گرمی تر و عزیزتر باشد از او بر سرشان طلوع نگردانید.

## اجازه اقامه شعائر دینی و آزادی مذهبی و فراهم سازی آنچه در دینشان مباح است

یکی از مقضیات عهدنامه اهل ذمه این است که مسلمانان به عقیده، شعائر دینی و عبادات و مراسم مذهبی و اموری که آنان را جزء دینشان می دانند، از قبیل زدن ناقوس در داخل معابدشان، قراءت تورات و انجیل، بدون آن که چیزی در برابر مسلمانان آشکار کنند تعرض نکنند، زیرا عقد ذمه به معنای اقرار کفار به کفرشان به همراه پرداخت جزیه است و همچنین اهل ذمه به شعائر دینی مسلمانان تعرض نکنند. و این یک امر اجماعی در میان فقها است و برای تفصیل بیشتر به کتب ذیل مراجعه کنید. (حاشیه بن عابدین در فقه حنفی ۲/۲۷۲، حاشیه دسوقی فقه مالکی ۲/۲۰۴، مغنی المحتاج فقه شافعی ۴/۲۵۷، کشاف القناع فقه حنبلی ۳/۱۲۷)

همچنین فقها اتفاق نظر دارند مبنی بر این که اجازه دارند خنزیر و خمر و آلات موسیقی استفاده کنند و در روز رمضان بخورند و بیاشامند و مجوسی ها با محارمشان نکاح کنند و امور دیگری که در دینشان مباح است. (فتح القدیر در مذهب احناف ۵/۳۰، نهایه المحتاج فقه شافعی ۸/۹۳، الزرقانی علی خلیل فقه مالکی ۳/۱۴۶، کشاف القناع ۳/۱۲۷)

مگر این که آنان اجازه ندارند آن را در میان مسلمانان آشکار کنند و یا آن

را به مسلمانان بخوراند و این به خاطر حفظ امنیت جامعه است همان گونه که مسلمانی که روزه را افطار می کند اجازه ندارد در حضور مردم بخورد. و دلیل فقها در این مورد، تعامل و عهدنامه آن حضرت ﷺ با مسیحیان نجران و یهود مدینه و عهدنامه هایی است که صحابه به هنگام فتح کشورها با غیر مسلمانان انجام داده اند.

## دعا برای غیر مسلمانان

مصنف ابن ابی شیبہ در کتابش فصلی را در مورد دعای برای یهودی و نصرانی قائم کرده است و در آن پاره ای از روایات و آثار صحابه را در آن ذکر کرده است از جمله این که یک یهودی شتری را برای آن حضرت ﷺ دوشید ، آن حضرت ﷺ برایش این گونه دعا کرد:

خدایا او را زیبا بگردان، آن گاه مویش سیاه شد. ابرهیم گفته است: فردی یهودی به محضر آن حضرت ﷺ آمد و عرض کرد: در بارگاه الله برایم دعا کن، رسول خدا ﷺ این گونه دعا کرد: خداوند مال و فرزندت را فراوان و جسمت را صحت و تندرستی عنایت فرماید و عمرت را طولانی بگرداند. و نیز ابرهیم گفته است: اشکالی ندارد که برای یهودی این گونه دعا کنی و بگویی: خداوند ترا هدایت کند. از سعید بن جبیر نقل شده است که گفت: اگر فرعون به من بگوید: خداوند به تو برکت عنایت فرماید: من می گویم: به تووهم برکت عنایت فرماید.

بخاری در ادب الفرد (ص ۳۸۱) از طریق سعید بن جبیر از ابن عباس رضی الله عنهما روایت کرده است که گفت: اگر فرعون به من بگوید: خداوند به تو برکت عنایت فرماید: من می گویم: به تووهم برکت عنایت فرماید حال آن که فرعون مرده است.

قبلا ذکر کردیم که وقتی کفار قریش آن حضرت ﷺ را زخمی کردند، برای آنان دعا کرد و فرمود: خدایا! قومم را هدایت کن، زیرا آنان نمی فهمند. و نیز رسول خدا ﷺ برای ابوجهل و عمر بن خطاب قبل از اسلام آوردنش دعا کرد و فرمود: «خدایا! اسلام را با یکی از محبوبترین این دو نفر در نزد خودت، عمر بن خطاب یا ابوجهل بن هشام یاری کن.»

در این مورد نمونه های فراوانی در کتب سیره وجود دارد که ما به همین مقدار بسنده می کنیم.

## آیا برخی عقب نشینی ها به هنگام تعامل با غیر مسلمانان به خاطر برخی مصالح و منافع با عقیده و لاء و براء تضاد دارد؟

در اینجا پاره از مواضع نبوی ذکر می گردد که آن حضرت ﷺ به خاطر برخی مصلحت های شرعی در سیاست از برخی امور عقب نشینی کرده اند و ما دو مورد را ذکر می کنیم:

۱. آنچه از رسول خدا ﷺ در غزوة احزاب اتفاق افتاد و قصد داشت تا از یک سوم محصولات مدینه را به قبیله قطفان بدهد تا از میدان جنگ عقب بروند. (مصنف ابن ابی شیبہ ۴۲۰/۱۴ و مصنف عبدالرزاق ۳۶۷/۵)

صالحی در کتابش، سبیل الهدی والرشاد ۳۹۹/۴ می نویسد: آن حضرت ﷺ آنان را راهنمایی کرد تا اگر مصلحتی برای مسلمانان وجود داشت.

۱. آنچه از رسول خدا ﷺ در صلح حدیبیه روی داد از قبیل اینکه (بسم الله الرحمن الرحيم) و نیز (رسول الله) از عهدنامه پاک گردد و این سال بدون انجام عمره به مکه بازگردد و هر گاه فردی مسلمان شد و به محضر آنحضرت ﷺ آمد او را به کفار بازگرداند و اگر مسلمانی مرتد شد و به نزد کفار رفت او به سوی مسلمانان بازگردانده نشود. و رسول خدا ﷺ ابوبصیر را به سوی کفار بازگرداند وقتی پس از عهدنامه حدیبیه به مدینه هجرت کرد و ابوجندل را نیز که هجرت کرده بود، در مدینه نپذیرفت. (بخاری ۹۷۴/۲).

والحمد لله رب العالمین والصلوة والسلام علی سیدنا محمد وآله و صحبه اجمعین  
عبدالفتاح بن صالح قدیش الیافعی یمن - ترمیم

## سلسله تحریف و ادعا

رسول خدا ﷺ فرمود: این علم را از هر بازمندگان، عادلانش بر میدارند و آن را تحریف افراطگران و نسبتهای اهل باطل و تأویل جاهلان حفظ می کنند.

برخی از صاحبان افکار انحرافی کلام خداوند سبحان را به گونه ای فهمیده اند که هماهنگ با منهج علمی موروث از سلف صالح نبوده و با مقاصد و ارزشهای بزرگ وحی الهی نمی باشد. و آنان برخی از آیات را که در شان کفار نازل شده اند، آنها را بر مسلمانان حمل می کنند.

و از آیاتی که به صورت خاص و استثنا نازل شده اند، احکامی عمومی صادر نموده و معانی کلام خداوند را به تحریف نموده اند به گونه ای که منجر به رسوخ و یا سازنده مفاهیمی اشتباه و غلط در عقل و خرد عامه مسلمانان شده و در نتیجه آن رفتارها و اموری بروز کرده است که هیچ ارتباطی با دین مبین اسلام ندارند.

در خلال این سلسله مباحث با تحریف معانی آیات قرآن کریم از طرف صاحبان این افکار منحرفه و گستره انفصال آن از فهم پیامبر بزرگوار ﷺ و اصحاب گرانقدر و سلف صالح و شریعت غرّا آشنا می شویم.